

شدیدی بین کشورهای برای رواج و توسعه تجارت خارجی و کسب طلا و نقره به وجود آمد و به تبع آن منجر به پدید آمدن ارتباط بیشتر بین کشورهای گردید و خود زمینه‌ساز تحولاتی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و صنعتی شد.

تحولات اروپا با انقلاب صنعتی که بین سالهای ۱۸۲۵-۱۷۷۰ میلادی رخ داد اثرات عمده‌ای بر ساختارهای اجتماعی، سیاسی، تجاری و صنعتی دنیای غرب گذاشت و زمینه‌ساز توسعه بیشتر تجارت شد و رقابت بین دول قدرتمند را عمیق‌تر ساخت که خود این رقابت بحرانهای جدید و شدیدی را در اوایل قرن بیستم سبب گردید.^۱

علل اقتصادی بروز جنگ جهانی اول

بررسی جنگ جهانی اول از زوایای گوناگونی امکان‌پذیر است از جمله ناسیونالیسم، رشد نظامی‌گری و توسعه امپریالیسم، که از سالهای ۱۸۷۰ بیشتر ملموس گردید. بویژه از زمانی که آلمان موفق شد دانمارک را مقهور خود سازد و فرانسه را مجبور به پذیرش شکست نماید به‌عنوان قدرت جدید اروپا در پی کسب امتیازاتی برآمد که سایر رقبای قبلاً در اختیار داشتند. دستیابی به مواد اولیه که منجر به توسعه صنعتی و اشتغال می‌گردد نهایتاً صدور مازاد تولیدات را موجب می‌شد و از این طریق نیاز به بازارهای جدید و مطمئنی را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت که دستیابی به آن فقط از طریق در اختیار داشتن سرزمینهای جدید (مستعمره) امکان‌پذیر بود. طبیعتاً این خواسته آلمانیها مغایر با سیاستهای امپریالیستی قدرتهایی مانند انگلستان، روسیه و فرانسه بود. لذا در سال ۱۹۰۲ انگلستان برای مقابله با خطرات ناشی از کشورهای رقیب با ژاپن متحد شد. برطبق این پیمان هرگاه یکی از دو طرف در دفاع از منافع خود در چین یا کره با دولت ثالثی درگیر می‌شد، دیگری باید سیاستهای دوستانه‌ای در پیش می‌گرفت.

در سال ۱۹۰۴ انگلستان و فرانسه پیمانی منعقد کردند که به «تفاهم صمیمانه» مشهور است و براساس آن انگلستان چنین حقی را برای فرانسه در مراکش قائل گردید، فرانسه نیز در

چنانچه نظری اجمالی بر تحولات و بحرانهای

یک قرن گذشته بیفکنیم جایگاه اقتصاد و تجارت را در بسیاری از زمینه‌هایی که بحران ایجاد شده است پیدا می‌کنیم. برای نشان دادن صحت این گفته پیگیری روند اثرات تاریخی مسائل اقتصادی و تجاری اجتناب‌ناپذیر است.

از آنجا که یکی از عوامل مؤثر در شکوفایی اقتصاد هر کشور توسعه تجارت خارجی (صادرات) آن کشور است بدین لحاظ پیوند عمیق اقتصاد با تجارت مورد توجه خاص قرار گرفته، و در بسیاری از موارد واژه‌های اقتصاد و تجارت با هم مطرح شده است.

باید خاطر نشان ساخت که در واقع پایه و اساس همکاریهای تجاری و اقتصادی در «منشور آتلانتیک» ریخته شد و بعدها همکاریهای تجاری و اقتصادی که جایگاه والایی در سازمان ملل یافت در چارچوب سازمانهای تخصصی انجام شد. آنکتاد، گات و سپس سازمان جهانی بازرگانی نقش مهم همکاریهای تجاری بین‌المللی را متبلور ساختند تا از این طریق کلیه فعالیتها و داد و ستدهای تجاری به‌طور فائونمند بین دول عضو انجام گردد.

توجه به توسعه تجارت خارجی از قرن پانزدهم و شانزدهم با تحولات عمیقی که در اروپا به‌وقوع پیوست یا گرفت و دوره جدید سوداگری آغاز گشت. مرکانتیلیستها یا سوداگران معتقد بودند که دولت نیز مانند یک فرد تنها با اندوختن طلا و نقره از نظر اقتصادی قدرتمند می‌شود بطوری که هر چه طلا و نقره یک کشور بیشتر باشد قوی‌تر خواهد بود. آنها نتیجه می‌گرفتند که چون طلا و نقره هر کشور ثابت و معین است، تنها از طریق تجارت خارجی با کشورهای دیگر می‌توان به طلا و نقره کشور افزود. آنها در این زمینه دو دستورالعمل کلی داشتند:

الف: در تجارت خارجی باید کوشید صادرات بیش از واردات باشد تا از این طریق طلا و نقره بیشتری به کشور وارد شود.

ب: باید از خروج طلا و نقره از کشور جلوگیری کرد.

با شکل‌گیری تئوری مرکانتیلیسم رقابت

دیرینه بین قدرتهای جهان نیز وضعیت همزیستی بین‌المللی را بیش از پیش دستخوش ناآرامی‌ها می‌گرداند که این خود موجب رکود اقتصادی ناخواسته‌ای در سطح بین‌المللی بخصوص در اروپا و آمریکا گردید و زمینه‌رکود عظیم اقتصادی سال ۱۹۲۹ را فراهم ساخت.

رکود اقتصادی و بحرانهای ناشی از آن

۱۹۱۹-۱۹۳۸

جهان طی سالهای جنگ جهانی اول دچار بحران اقتصادی شدیدی گردید که اقتصاد اغلب کشورهای اروپا را فلج کرد. بندر این بحران در جنگ جهانی اول پاشیده شده بود.

جنگ جهانی اول به شکست آلمان منجر شد. متفقین آلمان را مسئول دانستند و خواهان دریافت غرامت جنگی از آن کشور شدند و برای تحقق خواسته‌های خود کنفرانس ورسای را تشکیل دادند. پیمان ورسای با هدف تضعیف اقتصادی آلمان و اعمال فشار بر آن کشور تنظیم گردید. آلمان توانایی پرداخت غرامت سنگین ۶۶ میلیون لیره‌ای را نداشت و زمینه برای تشدید بحران دیگری در اروپا شکل گرفت. در این رابطه حوادث دیگری هم رخ داد که به گونه‌ای با مسائل اقتصاد بین‌الملل کاملاً مرتبط بود.

احساس عدم امنیت اقتصادی سراسر اروپا را فرا گرفته و روز به روز در حال افزایش بود. بانکها به علت تورم و جنگ در معرض ورشکستگی بودند که به نوبه خود انهدام اقتصاد ملی را به دنبال داشت. اروپاییان دریافتند که بالا رفتن قیمت‌ها ارزش پول را تنزل خواهد داد. آلمانیها از سال ۱۹۲۰ به بعد پول خود را عملاً فاقد ارزش یافتند.

فرانسوی‌ها نیز به بی‌ارزش بودن پول خود پی بردند. به این ترتیب کشورهای صنعتی با تلخی دریافتند که شغل و پس‌انداز آنها تابعی است از نیروهای اقتصادی که خارج از کنترل آنها قرار دارد. در ۱۹۲۹ اضطرابی بر بازار بورس نیویورک حاکم گشت که نشان‌دهنده کساد اوضاع تجارت بود. تجارت بین‌المللی و تولیدات صنعتی به شدت تنزل کرد، دستمزدها کاهش یافت و بیکاری شیوع پیدا کرد.

بحران زمانی آشکار شد که آمریکا در سال

آفریقا امتیازات مهمی به انگلستان داد و به این صورت دو کشور، قاره سیاه را به مناطق نفوذ خود تقسیم کردند. حل اختلافات دیرینه بین روسیه و انگلستان در قاره آسیا مشکل‌تر از سایر قاره‌ها بود. دولت فرانسه در این زمینه کوشش فراوان نمود تا توانست دیدگاه‌های روسیه و انگلستان را به هم نزدیک نماید. سرانجام با میانجی‌گری فرانسوی‌ها سه قرارداد بین وزیر خارجه روسیه و سفیر انگلستان در سن پترزبورگ به امضا رسید.

به موجب قرارداد اول، افغانستان در منطقه نفوذ انگلستان قرار گرفت، طبق قرارداد دوم تبت جزو منطقه نفوذ روسیه شناخته شد و طبق قرارداد سوم ایران به سه قسمت تقسیم گردید. قسمت شمالی منطقه نفوذ روسیه، منطقه جنوب منطقه نفوذ انگلستان و حدفاصل بین آن دو منطقه بیطرف و متعلق به ایران بود. در هر صورت هیچ‌یک از تمهیدات، توافقات و پیمانها نتوانست مانع از بروز بحران عظیم رقابتها گردد و جنگ جهانی اول با بهانه قرار دادن ترور ولیمهد اتریش در صربستان آغاز گردید.

جنگ جهانی اول و پیامدهای آن

جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ آغاز و در سال ۱۹۱۸ با تلفات سنگین انسانی و تخریب شدید تأسیسات صنعتی و اقتصادی کشورها به پایان رسید، ولی دستاورد آن توجه به ایجاد فضای امن بین‌المللی بود. برای تحقق این آرمان با پیشنهاد رییس جمهور وقت آمریکا ویلسون جامعه ملل تشکیل گردید. هدف جامعه ملل حفظ صلح و امنیت جهانی بود که از راه‌های چهارگانه ذیل میسر دانسته می‌شد:

- حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات دولتها از طریق داوری و دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی؛

- جلوگیری از جنگ وقتی که عضوی مورد تهدید قرار می‌گرفت؛

- پیشگیری از توسل به زور؛

- تضمین امنیت کشورها و خلع سلاح.

متأسفانه جامعه ملل نتوانست اهداف خود را تحقق بخشد. جامعه ملتهب و جنگ‌زده اروپا گرفتار بحرانهای اقتصادی پیامد جنگ بود و رقابت‌های

بودند. در سال ۱۹۱۵ یعنی يك سال پس از شروع جنگ يك جمعیت آمریکایی به نام «اتحاد برای پیشبرد صلح» در فیلادلفیای ایالات متحده آمریکا تأسیس گردید. در ژانویه ۱۹۱۷ ویلسون رئیس جمهور وقت آمریکا در مجلس سنای آن کشور از پیمان اتحاد برای پیشبرد صلح برای تشکیل يك قدرت دستجمعی دفاع کرد.

يك سال بعد در ۸ ژانویه ۱۹۱۸ ویلسون در پیامی که به مناسبت پایان جنگ جهانی اول به کنگره آمریکا فرستاد طرحی را برای صلح آینده جهان پیشنهاد کرد که دارای ۱۴ اصل بود. آخرین اصل آن مربوط به جامعه ملل چنین بوده است:

باید به موجب قراردادهای رسمی جامعه عمومی ملل تشکیل شود که موضوع آن تأمین ضمانت‌های متقابل سیاسی و ارضی برای همه دولت‌ها اعم از کوچک و بزرگ باشد. رهبران متفقین و به خصوص انگلستان برای تشکیل جامعه ملل طرح‌هایی ارائه دادند. در ژانویه ۱۹۱۹ کنفرانس صلح ورسای در پاریس تشکیل گردید که یکی از وظایف آن تهیه طرح تشکیل جامعه ملل بود. طرح مورد نظر در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ در کنفرانس صلح ورسای به اتفاق آرا تصویب گردید و جامعه ملل رسماً از تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ حیات خود را آغاز کرد.

اهداف جامعه ملل

هدف اساسی جامعه ملل حفظ صلح میان همه ملل حاکم بود و لذا سعی بر آن داشت که بر اساس قواعد و ضوابطی از بروز اختلافات بکاهد و در صورت بروز اختلاف راه‌هایی برای حل مسالمت آمیز آن پیش‌بینی کند. در واقع جامعه ملل تلاش داشت حکومت قانون را جانشین حکومت زور و قدرت نماید و صلح و آرامش مطلوب را تأمین کند.

تمهیداتی برای صلح و امنیت جهانی به کار گرفته شد تا جامعه ملل بتواند نقش و وظیفه خود را در این راستا به نحو مطلوب انجام دهد. ولی بعضی از بحران‌های اقتصادی که در بین جوامع اروپا و آمریکا به وجود آمد پایه‌های جامعه ملل را سست کرد. اما باید حوادث و عوامل دیگری را هم که در بی‌اثر نمودن جامعه ملل نقش داشت متذکر شد؛

۱۹۲۹ پرداخت وام به اروپا را متوقف کرد. این عمل آمریکا بلافاصله به پایین آمدن قدرت خرید اغلب پول‌های جهان و در نهایت به سقوط قیمتها منجر شد. کشورهای اروپایی که مبالغ هنگفتی به آمریکا بدهکار بودند بشدت از این جریان لطمه دیدند. آنها برای پرداخت بدهی‌های خود نه می‌توانستند از آمریکا دلار قرض کنند و نه می‌توانستند قرض‌های خود را از طریق اجناس بپردازند، زیرا قیمت کالاها شدیداً کاهش یافته بود.

تنها راه موجود برای پرداخت قرضها پرداخت از طریق طلا بود، اما این امر نیز مشکلاتی ایجاد می‌کرد. پاك کردن قرضها از طریق پرداخت طلا به آمریکا موجب کمیابی طلا در کشورهای اروپایی و در نتیجه افزایش قیمتها شد.

کشورهای اروپایی مجبور به متوقف ساختن صادرات طلا شدند، وانگهی این کشورها به منظور سرپا نگه داشتن کشاورزی و صنایع خود ناگزیر از اتخاذ راه‌حلهایی نظیر اعمال محدودیت بر واردات، تعرفه‌ها، سهمیه‌بندی، سوبسیدهای صادرات، محدودیتهای ارزی و در بعضی موارد حتی نظارت دولت بر امر تجارت خارجی شدند. نتیجه این شد که جریان طبیعی تجارت بین کشورها دچار وقفه شد و به بیکاری وسیعی منجر گردید. نیمی از اروپا دچار ورشکستگی اقتصادی شد و نیم دیگر در معرض تهدید ورشکستگی قرار گرفت. انگلستان از نظام پولی مبتنی بر طلا خارج شد و سیاست تجارت آزاد را کنار گذاشت. قانون حفاظت از صنایع تصویب شد و این امر شدیداً در تجارت بین‌المللی مؤثر افتاد و به پیدایش ناسیونالیسم اقتصادی^۲ در کشورهای اروپا منجر شد.

تأسیس جامعه ملل

پس از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ فکر تأسیس تشکیلاتی که بتواند صلح و امنیت جهانی را تضمین و آن را از مصائب و بحرانهای بین‌المللی محافظت نماید قوت گرفت. البته در طول جنگ جهانی اول اقدامات، گفتگوها و تلاشهایی برای دستیابی به اهداف صلح‌جویانه انجام شده بود که آمریکایی‌ها در این زمینه پیشگام

۱۹۳۹ در ابعادی گسترده‌تر و ویرانگرتر از جنگ جهانی اول آغاز گردید و تا سال ۱۹۴۵ ادامه یافت. در طول جنگ بین سران کشورهای متفق بویژه آمریکا، شوروی و انگلستان برای هماهنگ نمودن برنامه‌های خودشان دیدارهای متناوبی صورت گرفت. طرحی نیز برای دوران بعد از جنگ و هماهنگ نمودن زمینه‌های مناسب بین کلیه کشورهای برای بهره‌برداری از امکانات موجود بین‌المللی در قالب همکاریهای صلح و دوستی مطرح گردید. از جمله، روزولت و چرچیل در ملاقاتی در سال ۱۹۴۱ روی عرشه کشتی در دریای آتلانتیک سندی را در انداختند که بعدها به «منشور آتلانتیک» معروف گردید و در آن خطوط کلی و سیاستها و همکاریهای بین‌المللی را در ۸ ماده آمده بود. پس از آن ملاقاتهای گوناگونی بطور متناوب بین دول متفق صورت گرفت که مهم‌ترین این ملاقاتها، کنفرانس مسکو در ۱۹ اکتبر ۱۹۴۳ در مسکو، کنفرانس تهران در دسامبر ۱۹۴۳ در تهران و کنفرانس یالتا در فوریه ۱۹۴۵ در یالتا بود. سران متفقین به دلیل توفیق در عملیات جنگی و اطمینان به پیروزی نهایی، بحث جدی خود را که در ملاقاتهای قبل درباره چگونگی تأسیس سازمان ملل داشتند از نو مورد بررسی قرار دادند و پیرامون رأی‌گیری در شورای امنیت و مسئله حق و تو به توافق‌هایی رسیدند و نهایتاً در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ کنفرانس سانفرانسیسکو با شرکت ۵۰ کشور گشایش یافت.

منشور آتلانتیک

هرچند منشور آتلانتیک در وضعیت بسیار دشوار جنگ جهانی دوم و برای هماهنگ نمودن سیاستهای کلی دو کشور آمریکا و انگلیس برای تفوق بر دشمن مشترک تنظیم شد ولی حاوی نکات مهمی بود که بیان‌کننده دیدگاههای تجاری و اقتصادی دو کشور و طرح آتی آنها برای دوران پس از جنگ بود.

منشور آتلانتیک در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ توسط رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا روزولت و نخست‌وزیر وقت انگلستان وینسون چرچیل منعقد گردید. ۲ در همان روز کلمان اتلی معاون

عواملی چون ضعف قانونی، ضعف سیاسی و ضعف ساختاری.

علل بروز جنگ جهانی دوم

عوامل بروز جنگ جهانی دوم بسیار زیاد و از پیچیدگی خاص اجتماعی و بین‌المللی برخوردار است ولی مهم‌ترین پدیده‌ها و عوامل سبب‌ساز جنگ جهانی دوم را می‌توان در ابعاد اقتصادی، نظامی‌گری، ایدئولوژی‌های سیاسی و فرهنگی بررسی نمود.

توسعه ایدئولوژی‌های فاشیسم و نازیسم از يك سو باعث بروز فرهنگ سیاسی جدیدی گردید و از سوی دیگر به علت تعارض با کمونیسم و تا حدودی سرمایه‌داری لیبرالیستی توانست بحران را در جوامع اروپایی تشدید نماید. در بعد اقتصادی عواملی چون سقوط بورس سهام در نیویورک در سال ۱۹۲۹-۳۰ و رقابتهای شدید اقتصادی بین کشورهای اروپایی و آمریکا برای کسب منافع بیشتر در آن سوی دریاها خود عامل مهمی در گسستگی جوامع اروپایی بود.

در بعد نظامی توسعه‌طلبی کشورهای چون ایتالیا، و تصرف جزایر یونان در سال ۱۹۲۳ و سپس تجاوز ایتالیا به حبشه و تصرف آن کشور در سال ۱۹۳۴، حمله ژاپن به منچوری در سال ۱۹۳۱ و سپس تجاوز به چین را می‌توان یادآور شد. حمله شوروی به فنلاند در سال ۱۹۳۹ نیز از جلوه‌های مهم نظامی‌گری و دستیابی به مقاصد و اهداف اقتصادی متعدد از این راه بود.

در سال ۱۹۳۳ رئیس‌جمهور وقت آمریکا روزولت از نمایندگان کشورهای خارجی دعوت کرد تا در کنفرانس اقتصادی جهان در واشینگتن شرکت کنند. در این کنفرانس مسائلی چون عوارض، پول و تجارت مورد بحث قرار گرفت، ولی کنفرانس بدون اخذ نتیجه‌ای به بعد موکول شد. در بین سالهای ۱۹۳۳-۳۸ بسیاری از کشورها به امید تخفیف مشکلات اقتصادی بیمانه‌های عدم تجاوز، قراردادهای کاملاً الوداد، و قراردادهای تجارت متقابل را امضا کردند ولی هیچ‌یک از راهکارهای ابداعی کمکی به حل مشکلات اقتصادی آنها ننمود.

در هر صورت جنگ جهانی دوم در سال

نخست وزیر انگلستان اعلامیه‌ای منتشر کرد و در آن توضیح داد که رییس جمهور ایالات متحده و نخست وزیر انگلستان در اقیانوس اطلس یکدیگر را ملاقات کرده و راجع به موضوع ارسال مهمات به موجب قانون وام و اجاره به کشورهای که مورد تهاجم قرار گرفته باشند یا با تهاجم مقابله کنند مذاکره کرده‌اند.

در این مذاکرات جزئیات خط مشی دفاعی دو کشور و همچنین رویه‌ای که باید نسبت به ملل دیگر در زمان جنگ و پس از آن اتخاذ نمایند تعیین گردید. رییس جمهور آمریکا و نخست وزیر انگلستان چنین صلاح دانستند که پاره‌ای از اصول مربوط به سیاست ملی کشور خود را که بین دو دولت مشترک بود و طبق آن امید داشتند برای تمام دنیا آینده بهتری را تأمین نمایند انتشار دهند. مفاد این توافق به شرح زیر اعلام گردید:

۱- هیچیک از دو کشور طالب هیچگونه تملک ارضی یا غیر آن نمی‌باشند؛

۲- هر دو کشور مخالف هرگونه تغییرات مرزی هستند که با موافقت آزاد ملل مربوطه انجام نشود؛

۳- دو کشور حق هر ملت را در انتخاب حکومتی که خود می‌خواهد محترم می‌شمارند و امید دارند که حقوق حاکمیت و استقلال به هر دولتی که حقوق مزبور از آنها گرفته شده است داده شود؛

۴- با توجه به تعهداتی که هر دو کشور دارند سعی خواهند کرد برای هر ملتی اعم از کوچک یا بزرگ و فاتح یا مغلوب بطور مساوی ورود در تجارت دنیا را تسهیل کنند تا هرگونه مواد اولیه‌ای را که برای پیشرفت اقتصادی آنها لازم باشد به دست آورند؛

۵- دو کشور مایلند نهایت کوشش خود را به عمل آورند تا همه ملل در زمینه اقتصادی به منظور تسهیل شرایط بهتر برای کار و پیشرفت اقتصادی و امنیت در شئون اجتماعی با یکدیگر همکاری کامل نمایند؛

۶- پس از برانداختن کامل ظلم و جور نازی دو کشور امیدوارند صلحی که بتواند وسایل زندگی و امنیت داخلی تمام ملل را تأمین نماید برقرار شود تا این اطمینان حاصل شود که هر کس در هر

کشوری می‌تواند فارغ از ترس و احتیاج زندگی نماید؛

۷- چنین صلحی باید به هر کس اجازه دهد که آزادانه در اقیانوسها و دریاها سفر نماید؛

۸- دو کشور بر این باورند که تمام ملل دنیا خواه به علل مادی و خواه به دلایل معنوی باید از استعمال زور دست بردارند. اگر در آینده ملتی تسهیلات زمینی، هوایی و دریایی خود را برای هجوم به مرزهای دیگری به کار برد هیچگونه صلحی نمی‌تواند برقرار بماند. بنابراین دو کشور بر این اعتقادند که تازمانی که ترتیب دائمی و وسیعی برای امنیت عمومی داده نشده است خلع سلاح مللی که ممکن است نیروی مسلح خود را برای تهاجم به کار برند ضروری است. دو کشور مساعی خود را به کار خواهند برد تا ملل صلح جو را از زیر بار سنگین تسلیحات آزاد نمایند. (دولت ایران رسماً موافقت خود را با اصول هشتگانه منشور آتلانتیک اعلام نمود).

مهم ترین موادی که نشان دهنده دیدگاههای تجاری و اقتصادی دو کشور و ترسیم کننده سیاستهای آتی دو کشور بود در مواد ۴، ۵، ۶ و ۷ متبلور بود.

ماده ۴ که به امر تجارت بین المللی پرداخته و دستیابی به مواد اولیه را برای پیشرفت اقتصادی کاملاً ضروری می‌داند مورد توافق قرار گرفته است.

در ماده ۵ دو کشور آمریکا و انگلستان خود را موظف به فراهم ساختن تسهیلات و شرایط مطلوب برای نیل به توسعه اقتصادی و تجاری دانسته و راه دستیابی به آن را امنیت در شئون اجتماعی کشورها ذکر نموده‌اند.

ماده ۶ ضمن نوید دادن صلح و امنیت برای تمام ملل اطمینان یافتن هر کشور از دستیابی به نیازها و احتیاجات خود را مطرح می‌کند.

ماده ۷ به اصل صلح و آزادی تردد و سیر در اقیانوسها و دریاها پرداخته و آن را به نوعی با صلح و امنیت بین الملل مرتبط دانسته است.

نهایتاً در منشور هشت ماده‌ای آتلانتیک چهار مورد که دقیقاً دربرگیرنده دیدگاهها و خواسته‌های اقتصادی و تجاری آمریکا و انگلیس بود مدنظر قرار گرفته و به نوعی موارد چهارگانه

رکن تبادل نظر و مشورتی سازمان است که با شرکت کلیه اعضای سازمان تشکیل می‌شود. مجمع عمومی با توجه به اختیاراتی که در اساسنامه سازمان به آن تفویض شده است می‌تواند در مورد مسائل مختلف از جمله در مورد موضوعات اقتصادی بین‌المللی تحقیق و بررسی نماید. بهبود سطح زندگی ملل مختلف جهان، ایجاد اشتغال و فراهم ساختن زمینه‌های مناسب برای دستیابی به رشد مطلوب اقتصادی با توجه به مواد مختلف منشور ملل متحد از جمله اهداف اقتصادی مجمع عمومی است.

مجمع عمومی می‌تواند بر اساس نیاز اقدام به ایجاد ارکان فرعی کند که از جمله آنها می‌توان به صندوق اختصاصی ملل متحد که هدف آن کمک مالی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه است اشاره کرد. این نهاد یا رکن فرعی، بعدها «برنامه ملل متحد برای توسعه» نام گرفت. اهمیت مجمع عمومی در این است که محلی برای بحث آزاد نمایندگان کشورهای مختلف است و هر چند قطعنامه‌های صادره آن ضمانت اجرایی ندارد ولی در حقوق بین‌الملل عمومی مبنای طرح مقررات و قواعد بین‌المللی قرار می‌گیرد.

توصیه‌های مجمع عمومی که در قالب قطعنامه صادر می‌شود پایه طرح مقررات و قواعد بین‌المللی و مبنای مطالعات کمیته‌های مختلف قرار می‌گیرد و همچنین ممکن است منجر به تنظیم طرح کنوانسیون‌های مختلف گردد. یکی از کمیسیون‌های مجمع عمومی که در مسائل مربوط به حقوق تجارت بررسی و تحقیق می‌کند کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل (آنسیترال) است. هدف کمیسیون مذکور هماهنگ کردن حقوق تجارت در سطح بین‌المللی از طریق تنظیم طرح موافقتنامه‌های چندجانبه‌ای است که مسائلی چون خرید و فروش کالاها، نقل و انتقالات ارزی و مقررات حمل و نقل بین‌المللی را دربرمی‌گیرد. مجمع عمومی در سال‌های اخیر بنابه تقاضای کشورهای در حال توسعه برای به وجود آوردن نظام نوین اقتصاد بین‌الملل اقدام به تشکیل جلسات مختلفی کرده است و حتی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۵ اجلاس

مذکور با صلح و امنیت بین‌الملل مرتبط شناخته شده بود.

منشور آتلانتیک توانست ایجاد سیستم تجارت بین‌المللی را که بر اساس عدم تبعیض و میادله آزاد کالا و خدمات پایه می‌گیرد، مطرح نماید.

همکاری‌های تجاری بین‌المللی که در اوایل جنگ جهانی دوم دستخوش رکود گردیده بود با ملاحظات و دقت نظر راه‌های توسعه آن مجدداً فراهم آمد به نوعی که از اثرات جنگ و بحرانهای ناشی از آن بر اقتصاد و تجارت بین‌الملل کاسته شد. بر همین اساس نیز اندیشه‌هایی با راهکارهای متعدد برای توسعه همکاری‌های تجاری در سطح بین‌الملل با گرفت که ماحصل آن تشکیل سازمانهای اقتصادی و تجاری بود.

سازمان ملل متحد

تأسیس سازمان ملل در واقع زاده ضرورتی بود که برای دستیابی به صلح احساس می‌شد و کشورهای مقتدر و برندگان جنگ دوم را بر آن داشت تا با تکیه بر تجربیات گذشته بویژه تجربه شکست جامعه ملل، مجدداً در پی به وجود آوردن تشکیلات بین‌المللی دیگری برای شناخت و رفع بحرانها، و هم‌چنین همکاری و هماهنگی بین‌المللی برای ایجاد تفاهم و صلح باشند.

ارکان سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد دارای شش رکن اصلی است که عبارتند از:

- ۱- مجمع عمومی
- ۲- شورای امنیت
- ۳- شورای اقتصادی و اجتماعی
- ۴- شورای قیمومت
- ۵- دیوان بین‌المللی دادگستری
- ۶- دبیرخانه

در اینجا در بحث از ارکان سازمان ملل تنها به دو رکن آن که به مسائل اقتصادی، تجاری و اجتماعی توجه خاصی دارند پرداخته می‌شود. این دو رکن به ترتیب عبارتند از:

الف- مجمع عمومی

ب- شورای اقتصادی و اجتماعی

مجمع عمومی

مجمع عمومی از مهم‌ترین ارکان سازمان ملل و

فوق العاده ای نیز در این خصوص منعقد نموده است. ضمناً کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) و سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) نیز در این رابطه مشغول تحقیق و بررسی هستند.

در اساسنامه سازمان ملل متحد که از ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ با قوت تمام به اجرا درآمد پیش بینی شده است که تنها سیاست نمی تواند ضامن تعاون بین المللی باشد بلکه برای ایجاد ارتباط نزدیک و همکاری باید روشهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز همراه آن شود. برای رسیدن به این هدف یک شورای اقتصادی و اجتماعی تأسیس شده است.

شورای اقتصادی و اجتماعی

شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) یکی از ارکان مهم سازمان ملل است که به موجب بند ۱ ماده ۶۲ منشور می تواند درباره مسائل بین المللی مربوط به امور اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر امور مرتبط با شورا مطالعات و گزارشهایی تهیه کند یا موجبات آن را فراهم نماید. همچنین این شورا می تواند در مورد این گونه امور به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی مربوط توصیه هایی بنماید. تقاضای انجام این گونه تحقیقات و مطالعات باید به دبیر کل کمیسیون های اقتصادی منطقه ای، کمیته های ویژه، گروه های کارشناسی یا سازمانهای تخصصی ارسال شود.

با توجه به ماده ۵۵ منشور، سازمان ملل برای تأمین روابط مسالمت آمیز و دوستانه بین المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، امور زیر را تشویق می نماید:

الف - بالا بردن سطح زندگی، فراهم نمودن کار برای همه و حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛

ب - حل مشکلات بین المللی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین المللی فرهنگی و آموزشی؛

ج - احترام جهانی و مؤثر به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب.

با توجه به فقر موجود که جمعیت کثیری از

انسانها را تهدید می کند سازمان ملل و شورای اقتصادی و اجتماعی وظیفه خود می دانند تا با سایر سازمانهای ذیربط و وابسته به سازمان ملل مساعی خود را برای مبارزه با فقر به کار گیرند.

وظایف و اختیارات شورای اقتصادی و اجتماعی را می توان در سه بخش خلاصه کرد:

۱- بررسی و شور و توصیه در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی؛

۲- تشکیل کنفرانسهای بین المللی در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی؛

۳- هماهنگ کردن اقدامات مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد.

طبق توصیه شورا کمیسیونهای اختصاصی گوناگونی از طرف مجمع عمومی به وجود آمده است تا مسائل خاص اقتصادی و اجتماعی را بررسی نماید. بدین جهت از یک سو کمیسیونهای فنی و کمیته های کار مختلف به منظور بررسی مسائل مذکور ایجاد شده و از سوی دیگر، برای مناطق مختلف جهان، کمیسیونهای دائمی ایجاد گردیده است مانند: کمیسیون اقتصادی برای اروپا، کمیسیون اقتصادی برای آمریکای لاتین، کمیسیون اقتصادی برای آسیا و اقیانوس آرام (اسکاپ) و کمیسیون اقتصادی برای آفریقا. هر یک از این کمیسیونها مسائل اقتصادی و اجتماعی منطقه خود را بررسی و نسبت به آن اقدام نیز می نماید.

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) تنها تشکل اقتصادی - سیاسی بین المللی است که کشورهای صنعتی جهان در آن در اقلیت قرار دارند.

آنکتاد از زمان تأسیس همواره به عنوان مهم ترین مرجع بین المللی ذیربط برای ایجاد یک نظام اقتصادی تجاری عادلانه و به وجود آوردن تعادل در نسبت درآمدهای فعلی تلاش نموده است. از سوی دیگر این نهاد به عنوان یکی از سازمانهای تابع مجمع عمومی در سازمان ملل متحد از بدو تشکیل به توسعه کشورهای جهان سوم توجه خاصی مینوال داشته و با مبادرت ورزیدن به اقداماتی سعی نموده است قطعنامه های مجمع

عمومی را در مورد منافع کشورهای جهان سوم و سوق دادن تجارت جهانی به آن سمت ملحوظ نماید.

ابتدا موضوع توسعه کشورهای در حال توسعه در چارچوب مجمع عمومی سازمان ملل با وقوف به سهم بسیار ناچیز این کشورها در اقتصاد جهانی و تقسیم منابع مطرح شد که به دنبال آن مجمع عمومی اولین دهه توسعه ملل متحد را در ۱۹۶۰ با تأکید بر ضرورت انجام تغییرات لازم در نظام اقتصادی بین‌المللی به نحوی که سود بیشتری نصیب کشورهای رو به رشد شود، اعلام کرد. سپس ضمن اتخاذ استراتژی توسعه برای دهه دوم در ۱۹۷۰ خواستار اختصاص سقفی از تولید ناخالص ملی کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه و فقیر شد. در نهایت در چارچوب استراتژی توسعه برای دهه سوم یعنی دهه ۱۹۸۰ مجمع عمومی ضمن تأکید بر پیگیری هدفهای دومین دهه خواستار دگرگونی‌های مناسب و ساختاری در اقتصاد جهانی برای مشارکت هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه شد. بر همین اساس آنکتاد در طول این مدت همجهت با استراتژی‌های مختلف مجمع عمومی در دهه‌های مذکور موفق شده تا بطور نسبی برخی از خواسته‌های کشورهای در حال توسعه در زمینه تثبیت بهای مواد خام و اولیه، رفع موانع تجاری از طریق اقدامات ترجیحی و انتقال تکنولوژی را به کشورهای صنعتی بقبولاند.

در مجموع می‌توان گفت ترویج و تشویق تجارت بین‌الملل به عنوان موتور محرکه و مناسب‌ترین ابزار توسعه هدف نخست و بلکه فلسفه وجودی آنکتاد را به عنوان رکن اصلی سازمان ملل در قلمرو توسعه و تجارت جهانی از بدو پیدایش (۱۹۶۴) تا کنون تشکیل می‌داده است. با توجه به مطالب فوق تحقق این امر همواره تحت الشعاع برداشتها و تعاریف مختلف از مفهوم رشد و توسعه در دهه‌های فوق‌الذکر بوده است. برای مثال، تا پیش از دهه ۱۹۶۰ با توجه به نتایج و دستاوردهای مثبت تجارت بین‌الملل برای کشورهای صنعتی، دستیابی به رشد اقتصادی صرف افزایش کمی درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی (شرط لازم و کافی برای توسعه به حساب

می‌آمد حال آنکه تجربه تلخ اقتصاد بین‌الملل برای کشورهای در حال توسعه در این دهه که ناشی از افزایش مضاعف شکاف قیمت تولیدات تمام شده کشورهای صنعتی در مقایسه با قیمت فروش مواد اولیه کشورهای در حال توسعه بود نشان داد که صرف رشد اقتصادی نمی‌تواند عامل دستیابی به توسعه همه‌جانبه باشد و همین امر نیز مبنای تأسیس آنکتاد گردید.

متعاقباً از دهه ۱۹۶۰ به بعد با آشکارتر شدن تمایز بین مفهوم رشد با توسعه که مفهومی به مراتب گسترده‌تر است و گذشته از جنبه‌های کمی، جنبه‌های کیفی چون تغییرات بنیادی در ساختارها و نهادهای اجتماعی، فرهنگی و بسیاری از موارد حتی آداب و رسوم را هم در بر می‌گیرد آنکتاد همواره سعی نموده است تا شرح وظایف، تشکیلات سازمانی و بالاخره مکانیزم‌های پیشنهادی خود را برای تجارت بین‌الملل بر حسب تعابیر جدید توسعه انعطاف‌پذیر نماید.

بنابر این يك عامل مهم در توجیه تحولات آنکتاد در دهه‌های مختلف شناخت مفاهیم و تعاریف رایج توسعه و رابطه آن با تجارت بین‌الملل در مقاطع مذکور است. بر همین اساس با اصل قرار دادن مفهوم و تعاریف توسعه در دهه‌های مختلف، و با توجه به تأسیس سازمان جهانی بازرگانی تحولات این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علل تأسیس آنکتاد و توسعه همکاریها

پس از جنگ جهانی دوم اغلب کشورهای جهان با مشکلات عدیده‌ای در بخش اقتصادی و بویژه در بخش بازرگانی خود مواجه شدند و تلاش‌هایی برای رفع مشکلات در سطح جهانی به عمل آوردند.

بدین منظور سازمانهای بین‌المللی، از جمله شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل در سال ۱۹۴۴ به عنوان یکی از ارگانهای دایمی این سازمان به وجود آمد و از آن پس، موضوع همکاریهای اقتصادی بین دول جهان به شکل جدی‌تری مطرح شد و ابعاد گسترده‌تری یافت. یکی از مهم‌ترین تغییرات در تجارت بین‌الملل دو برابر شدن حجم تجارت جهانی بود در فاصله

سالهای ۵۰-۱۹۶۰ علی‌رغم رشد سریع مبادلات بازرگانی که موجب تغییراتی در میان کشورهای پیشرفته شده بود کشورهای در حال توسعه سهم ناچیزی از تجارت جهانی را در اختیار داشتند. این عدم توازن برخاسته از ساختار اقتصاد جهانی بود به گونه‌ای که انبوه مواد خام و اولیه و فرآورده‌ها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته صنعتی صادر و در مقابل بخش اعظم کالاهای ساخته شده و دیگر محصولات مصرفی به همین نحو به کشورهای در حال توسعه وارد می‌شد ولی در این رهگذر بیشتر کشورهای صنعتی که منابع کشورهای جهان سوم را در اختیار داشتند روز به روز ثروتمندتر و کشورهای در حال توسعه فقیرتر می‌شدند.

از سوی دیگر، روند پیشرفت تکنولوژی که در بسیاری از کشورهای صنعتی انحصاری گردیده بود موجب شد که کشورهای در حال توسعه نتوانند از نظر صنعتی و صادرات و مبادلات بین‌المللی با کشورهای صنعتی برابری کنند. بنابراین، کشورهای در حال توسعه با توجه به سهم بسیار ناچیز خود در تجارت بین‌المللی بطور جدی و عینی به این حقیقت وقوف یافتند که توسعه اقتصادی به میزان زیادی به تجارت خارجی وابسته است. لذا تلاشهایی را برای تغییر این وضعیت در سطح بین‌المللی آغاز نمودند.

مجمع عمومی سازمان ملل نیز به این امر توجه نمود و برای بررسی و ارائه راه‌حل در قطعنامه شماره ۱۷۰۷ که در شانزدهمین اجلاس خود (۹ دسامبر ۱۹۶۱) تصویب کرد، تجارت بین‌المللی را مناسب‌ترین ابزار توسعه معرفی نمود.

همچنین قرار شد طی کنفرانسی جهانی مسائل بازرگانی و تجاری مورد بررسی قرار گیرد. در پی این امر و با توجه به مشکلات اقتصادی و وضعیت کشورهای در حال توسعه، شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل نیز طی قطعنامه شماره ۹۱۷ مورخ سوم اوت ۱۹۶۲ خواستار ایجاد کنفرانسی دائمی در خصوص موضوع تجارت و توسعه بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل گردید. متعاقب آن کمیته‌ای برای

بررسی کنفرانس مذکور تشکیل شد و پس از بحث و بررسی، مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۱۹۹۵ خود تأسیس کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد موسوم به آنکناد را اعلام کرد. در ۲۳ مارس لزوم طرح مسائل تجاری بین‌المللی در يك کنفرانس خاص مورد تأکید قرار گرفت و منجر به استقرار آنکناد به‌عنوان يك رکن دائمی مجمع عمومی گردید. اولین کنفرانس تجارت و توسعه از ماه مارس تا ژوئن ۱۹۶۴ در ژنو تشکیل شد (آنکناد اول). مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۶۴ تصمیم گرفت که آنکناد به‌صورت ارگانی وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد فعالیت داشته باشد.

اهداف و وظایف آنکناد

اهداف و وظایف آنکناد طبق قطعنامه (۱۹۹۵)

به شرح زیر است:

الف) ترویج و تشویق تجارت بین‌الملل برای سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی کشورها با سطوح و درجات مختلف توسعه‌یافتگی و نظامهای اقتصادی-اجتماعی متفاوت؛

ب) تدوین اصول و سیاستهای مناسب در خصوص تجارت و توسعه بین‌المللی؛

پ) ارائه پیشنهادها مناسب برای عملی ساختن سیاستهای مذکور؛

ت) ایجاد تسهیلات لازم برای هماهنگی بین فعالیتهای آنکناد با سایر مؤسسات سازمان ملل در امر توسعه و تجارت بر طبق منشور ملل متحد؛

ث) تمرکز بخشیدن و جهت دادن به فعالیتهای مربوط بین نهادهای ذریع سازمان ملل و گروه‌بندی‌های اقتصادی منطقه‌ای.

بطور کلی، کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد به‌عنوان يك سازمان اقتصادی دائمی که ناظر بر حرکت تجارت جهانی است با هدف ایجاد تعادل در تجارت جهانی و از میان برداشتن شکاف و تبعیض بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه تأسیس شد. لذا اساساً فلسفه وجودی آنکناد را باید در کمک به توسعه تجارت جهانی، بخصوص تجارت کشورهای جهان سوم و عادلانه‌تر شدن تجارت جهانی و نیز بهبود وضع اقتصادی و

کنفرانس هاوانا از ۲۱ سپتامبر تا ۲۴ مارس ۱۹۴۷ توسط ۵۶ کشور مورد مذاکره قرار گرفت به تأیید نمایندگان امضا کننده ترسید. با این حال مذاکرات مذکور باعث برقراری همکاریهای اقتصادی بین کشورهای بلوک شرق (کمکون) و کشورهای بلوک غرب (OECD) گردید.

در اساسنامه سازمان بین‌المللی بازرگانی، مقررات و قواعد مشخصی راجع به تجارت، اشتغال، رقابت و مسائل اقتصادی پیش‌بینی شده بود. قرار بود که سازمان مذکور به عنوان سازمان تخصصی سازمان ملل متحد تأسیس گردد و شبیه صندوق بین‌المللی پول که امور ارزی بین‌المللی را بررسی و نظارت می‌کرد، مسائل تجاری بین‌المللی را حل و فصل نماید. پس از این که مشخص شد تأیید سند تأسیس سازمان بین‌المللی بازرگانی در بسیاری از کشورها با مشکل مواجه شده است، موافقت‌نامه گات به تنها وسیله‌ای مبدل شد که دارای مبنای حقوقی بود و می‌توانست روابط تجاری بین دول عضو را تنظیم نماید. باید اضافه کرد که در حال حاضر گات به همراه دو نهاد دیگر به نام‌های TRIPS و GATS ستون‌های اصلی سازمان جدید جهانی بازرگانی را تشکیل می‌دهند که در خاتمه به آن می‌پردازیم.

اصول گات

هدف اصلی گات ایجاد نظام اقتصادی بین‌المللی آزادی است که در آن دخالت دولت در امور تجاری در کمترین حد ممکن باشد و بنگاههای تولیدی از قدرت و بخت رقابتی یکسانی در سطح بین‌المللی برخوردار باشند. گات با در نظر گرفتن کلیه جوانب تجاری، هدف‌هایی خود را از طریق اصولی که ذیلاً بر شمرده خواهد شد تحقق می‌بخشد:

۱. اصل دولت کامله الوداد؛
۲. اصل تسری رفتار داخلی؛
۳. کاهش عوارض گمرکی؛
۴. ممنوعیت برقراری محدودیتهای مقداری؛
۵. تنظیم قواعد و مقررات صادراتی.

به هر صورت می‌توان گفت که اقدامات گات تحولات مهمی در مسائل تجاری و بازرگانی بین کشورهای پدید آورد و دستاورد نهایی آن شکل‌گیری سازمان جدیدی به نام سازمان جهانی بازرگانی^۲

فقرزدایی از جهان سوم جستجو کرد.

شایان ذکر است که بزرگترین گروه موجود در آنکتاب گروه ۷۷ است که مشتمل از کشورهای در حال توسعه است. گروه مذکور که در اولین اجلاس کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد در ۱۹۶۴ به وجود آمد در حال حاضر دارای ۱۳۵ عضو از مناطق سه گانه آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است.

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)

یکی از اهداف «منشور آتلانتیک» که در سال ۱۹۴۱ مورد توافق روزولت و چرچیل قرار گرفت، ایجاد نوعی سیستم تجارت بین‌المللی بود که بر اساس عدم تبعیض و مبادله آزاد کالا و خدمات پایه‌گذاری شده باشد. مذاکرات مربوط به سیستم تجارت بین‌المللی که در طول جنگ جهانی دوم بین انگلستان، کانادا و آمریکا آغاز شده بود، پس از جنگ نیز ادامه پیدا کرد. بالاخره آمریکا در ۶ سپتامبر ۱۹۴۵ پیشنهادی را در مورد نظام اقتصاد بین‌المللی (پیشنهاد گسترش تجارت بین‌المللی و اشتغال) ارائه داد. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نیز در ۱۸ فوریه ۱۹۴۶ کنفرانسی را برای بررسی و تحقیق در مورد مسائل اقتصاد بین‌الملل تشکیل داد. سرانجام در سال ۱۹۴۷ دو دسته مذاکرات در دو کنفرانس جداگانه همزمان در ژنو آغاز گردید. در یکی از کنفرانس‌ها که از ۱۰ آوریل تا ۲۲ اوت ۱۹۴۷ تشکیل شد، طرح سازمان بین‌المللی تجارت تنظیم و تهیه گردید. در کنفرانس دوم نیز که از ۱۰ آوریل تا ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ ادامه داشت، مذاکراتی در زمینه مزایا و معافیت‌های گمرکی انجام شد، و مذاکرات مربوط به مسائل گمرکی با نتیجه مثبتی خاتمه پیدا کرد. بدین ترتیب مقرر شد تا تأسیس سازمان بین‌المللی بازرگانی، موافقت‌نامه‌ای چندجانبه بطور موقتی بین کشورهای جهان در زمینه مسائل گمرکی منعقد گردد. بالاخره در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ نمایندگان کشورهای ذیربط موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) را به امضا رساندند که از اول ژانویه ۱۹۴۸ لازم‌الاجرا گردید.

اساسنامه سازمان بین‌المللی بازرگانی که در

سازمان جهانی بازرگانی

تجارت جهانی پس از جنگ جهانی دوم بار کود شدیدی مواجه گردید. به همین دلیل کوشش‌های فراوانی برای تزریق خون تازه در رگهای خشکیده آن به عمل آمد که ثمره آن در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ظاهر شد.

همان‌طور که گفته شد وظیفه گات در از بین بردن تبعیض‌های تجاری و گشودن بازارها و کاهش موانع گمرکی موجود خلاصه می‌گردید که این امر در دهه‌های گذشته کم و بیش عملی شد، بطوری که تجارت جهانی چهار برابر گردید و تعرفه‌های گمرکی موجود در این فاصله زمانی به شدت کاهش یافت. از سوی دیگر، تعداد اعضای گات از ۱۸ کشور در بدو تأسیس ۱۲۴ کشور فزونی یافت. ولی به تدریج مشکلات جدیدی از قبیل دامپینگ، استفاده از اختراعات مخترعین یک کشور در دیگر کشورها و... بر سر راه گات ایجاد شد که می‌توان آنها را تحت عنوان موانع گمرکی غیر تعرفه‌ای جای داد. این در حالی بود که هیچ‌گونه قانون مدون مشترکی در این زمینه بین اعضای گات وجود نداشت.

برای مقابله با مشکلات فوق، اعضای گات در مذاکرات دورارو گونه که نزدیک به ۷ سال طول کشید تصمیم به گسترش قوانین و الحاق قوانین جدیدی به قوانین قبلی گرفتند. اهم موضوعات الحاقی به قوانین گات از این قرار بود:

(الف) تجارت خدمات در بین کشورهای عضو به موجب پیمان گاتس؛^۵

(ب) حمایت از مالکیت معنوی در چارچوب تریپس؛^۶

(پ) برخورد قانونی با کشورهایی که از دامپینگ و سوبسید برای تقویت تولیدات خود در بازارهای جهانی استفاده می‌کنند.

(ت) و بالاخره، تنظیم تجارت تولیدات کشاورزی و نساجی تحت قوانین جدید.

در واقع گات تبدیل به یک سازمان تجاری بسیار بزرگ گردید که تنها قسمتی از آن را قوانین قبلی گات تشکیل می‌داد و بدین ترتیب تصمیم بر این گرفته شد تا گات جای خود را به سازمان جهانی

سازمان جهانی بازرگانی که جایگزین موافقت‌نامه گات گردیده از سه شاخه اصلی GATS, GATT و TRIPS تشکیل شده و از سال ۱۹۹۵ قانوناً آغاز به کار کرده است. دفتر مرکزی سازمان جهانی بازرگانی در ژنو است.

(الف) موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت که مورد بررسی قرار گرفت در حال حاضر یکی از ستون‌های اصلی سازمان جهانی بازرگانی به‌شمار می‌رود بطوری که در نمودار سازمانی این نهاد مشاهده می‌شود که گات دارای یک انجمن است که خود در برگیرنده چندین موافقت‌نامه به شرح زیر می‌باشد:

موافقت‌نامه کشاورزی، موافقت‌نامه بهداشت، موافقت‌نامه پوشاک و منسوجات، موافقت‌نامه موانع تکنیکی تجاری، موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری، موافقت‌نامه قیمت فروش (DUMPING).

(ب) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (GATS)

موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات دومین سند اصلی سازمان جهانی بازرگانی را تشکیل می‌دهد. موافقت‌نامه فوق تجارت خدمات را برای نخستین بار وارد مقولات تجاری جهانی نموده است.

بخش اول موافقت‌نامه فوق مشخصات خدمات مورد نظر موافقت‌نامه را تبیین می‌کند و بخش دوم بیان‌کننده کلیات موافقت‌نامه و بخش سوم نیز در برگیرنده اصولی است که می‌بایست کلیه اعضا آنها را رعایت کنند. موافقت‌نامه GATS در نوع خود اولین موافقت‌نامه در جهان است که از انتقال نیروی کار، ارتباطات، حمل‌ونقل هوایی و دریایی و خدمات مالی بحث می‌کند. GATS دارای یک انجمن است که اعضای آن مسئولیت نظارت بر اجرای مفاد موافقت‌نامه را برعهده دارند.

(پ) تجارت و حقوق مالکیت معنوی (TRIPS)

سومین ستون سازمان جهانی بازرگانی را موافقت‌نامه حمایت از حقوق مالکیت معنوی

۲. ناسیونالیسم اقتصادی که پایه گذار آن فردریک لیست آلمانی است بدین معنی است که اقتصاد ملی هر کشور باید بر اساس نظام اقتصادی خود آن کشور مطرح گردد. بنابراین دولتهایی که توانایی رقابت در صحنه بین‌المللی را ندارند باید با تعیین تعرفه‌های گمرکی از ورود کالاها خارج می‌کنند که مشابه آنها در داخل تولید می‌شود جلوگیری به عمل آورند تا صنایع ملی و در حال رشدشان حمایت شود و به بلوغ لازم خود برسند. فردریک لیست در سال ۱۸۴۰ در کتاب اصول اقتصاد ملی خود به این مسئله پرداخت و به دولت آلمان در مورد مقابله با صنایع پیشرفته انگلستان هشدار داد.

۳. به علت بمباران شهر لندن توسط نیروی هوایی آلمان دولت انگلیس و مرکز فرماندهی آن کشور به روی کشتی‌های بزرگ آن دولت در دریا انتقال داده شده بود.

4. World Trade Organization.

5. General Agreement on Trade in Service.

6. Trade Related Aspects of Intellectual Property.

7. World Trade Organization.

فهرست منابع

۱. راهنمای سازمان ملل متحد، تهران، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۴.
۲. کلرد آلبر کلیسار، نهاد‌های روابط بین‌الملل، ترجمه هدایت‌الله فلسفی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
۳. رضا پاکدامن، قراردادهای تجاری بین‌المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۸.
۴. رضا موسی‌زاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نشر پازنگ، ۱۳۷۵.
۵. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره مطالعات و سازمان‌های بین‌المللی سال سی و پنجم شماره ۱۳۷۹، ۴۲.
۶. طهماسب محتشم دولت‌شاهی، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، نشر پیام، ۱۳۷۵.
۷. حسن توانایان فرد، مکتبهای اقتصادی، نشر نقش جهان، ۱۳۷۵.
۸. رامنا ملکوتی، روابط بین‌الملل، ترجمه علی صلح‌جو، تهران، نشر بنیاد، ۱۳۶۸.
۹. هنری لیتل فیلد، تاریخ اروپا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
۱۰. ژاک نم و کلت‌تم، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. حشمت‌امیری، کلیات روابط بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی، انتشارات هاد، ۱۳۶۹.
۱۲. لیلا سرافراز، پیدایش سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی، انتشارات نوید، ۱۳۷۶.

تشکیل می‌دهد. موافقت‌نامه فوق شامل قراردادهای برن، پاریس و واشینگتن است و از حقوق معنوی به صورت عام از قبیل حقوق ناشرین، مخترعین، نشان‌های تجاری، هنر، ادبیات و ساخت مدارهای الکترونیکی حمایت می‌کند.

TRIPS دارای يك انجمن است که مسئولیت نظارت بر اجرای این موافقت‌نامه را به عهده دارد.

نتیجه گیری

با مرور سیر تحولات تاریخی اقتصاد و تجارت مشخص گردید که قسمت اعظم بحرانهای پدید آمده در جهان ناشی از رقابتهای تجاری و اقتصادی بوده است. لذا کشورهای غربی در طول قرن نوزدهم اصل گشایش دروازه‌های تمام ممالک را به روی بازرگانی بین‌المللی اعلام داشتند. منظور از اعلام این اصل ایجاد بازار برای کشورهای بزرگ صنعتی و سپس ایالات متحده بود.

بدین ترتیب یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عصر صنعتی که بر طبق آن هیچ کشوری نمی‌توانست دروازه‌های خود را بر تجارت ببندد، وضع و به اجرا گذاشته شد. در عصر حاضر مفهوم تعاون اقتصادی دگرگون و به صورتی دیگر در چارچوب سازمان‌های اقتصادی و تجاری در آمده است و هر ساله پدیده‌ها و قواعد جدیدی برای توسعه روابط تجاری بین‌الملل وضع و به اجرا در می‌آید، و از طریق سازمان‌های اقتصادی و تجاری هماهنگی و همکاریهایی لازم برای توسعه آن شکل می‌گیرد، که به طور اجمال بدان پرداخته شد.

یادداشت‌ها

۱. انقلاب صنعتی و پیروزی ایدئولوژی سرمایه‌داری لیبرالیسم کلاسیک، همزمان در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم صورت پذیرفت و لیبرالیسم، فلسفه سرمایه‌داری صنعتی جدید بود و انگاره‌های لیبرالی جدید شرایط سیاسی و فکری را در انگلستان قرن هیجدهم بیار آورد که سبب اشاعه و رشد نظام کارخانه‌ای شد. انقلاب صنعتی، طبقه سرمایه‌دار را به حاکمیت اقتصادی و سیاسی رساند و این امر در بین پیروزی لیبرالیسم کلاسیک بعنوان ایدئولوژی عصر جدید سرمایه‌داری صنعتی حائز اهمیت بسیار است.